

## گفتار هشتم

### شخصیت معنوی علی علیه السلام

**نکته اول:** خواندن و آگاه شدن به زندگینامه بزرگان و سیره عملی و علمی آنان تاثیر فراوانی در زندگی دارد، اما ضریب تاثیر هر الگویی نسبت به الگوی دیگر قطعاً تفاوت دارد. شناخت شخصیت معنوی حضرت امام علی علیه السلام که خود معصوم است و جانشین نبی مکرم اسلام است و از طرف خداوند متعال انتخاب شده است تاثیر فراوانی در زندگی افراد، به خصوص پیروانش دارد.

**نکته دوم:** حضرت علی علیه السلام که در نهج البلاغه فرمودند: «ان امرنا صعب مستصعب لا یحتمله الا عبد امتحن الله قلبه للايمان!» همانا شناخت امر ما کار بسیار دشواری است به جز بنده مومن که خداوند قلبش را به ایمان آزموده است». مرحوم ابن میثم بحرانی درباره واژه «امر» می گوید که مقصود از واژه امر که امام آن را صعب و مستصعب شمرده است موقعیت کمالی ائمه اطهار و خاندان رسالت می باشد که برای دیگران فوق تصور است.<sup>۲</sup> این روایت وظیفه شناخت معصومین را از ما سلب نمی کند، بلکه هر کسی خود را مدعی پیروی از امامان علیهم السلام می داند، بر او لازم است در حد اجمالی شناختی از امام خود داشته باشد. در این نوشتار تحت این عنوان بحث می شود:

### تاریخ ولادت و شهادت امام علی علیه السلام و کنیه آن حضرت

#### کیفیت ولادت آن حضرت

اولین کسی که به پیامبر ایمان آورد و نماز گزارد، علی علیه السلام بود.

جواب اشکال که درباره ایمان علی علیه السلام شده است.

جلوگیری از انتشار فضایل علی علیه السلام و داستان منع سب و لعن علی علیه السلام توسط عمر بن عبد العزیز

۱. نهج البلاغه، خ ۲۳۱.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، ج ۴، ص ۳۴۴.

نام علی علیه السلام از آسمان بوده است.

### تاریخ ولادت و شهادت و کنیه حضرت علی علیه السلام

امیر المومنین علی علیه السلام سی سال بعد از عام الفیل متولد شد و شب یکشنبه بیست و یکم رمضان سال چهل هجری شهید شد. و شصت و سه سال عمرش بود. بعد از وفات پیامبر سی سال زنده بود. و مادرش فاطمه دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف است و علی نخستین هاشمی نسب است که از دو طرف به هاشم می‌رسد، یعنی پدر و مادرش هر دو از اولاد هاشم بودند. روز ولادت امام علی علیه السلام روز جمعه سیزدهم رجب است و در میان کعبه متولد شده است. این قول مشهور در میان محدثان و مورخان خاصه و عامه است. اما شیخ طوسی در مصباح به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ولادت با سعادت آن حضرت در روز یکشنبه هفتم ماه شعبان واقع شده است و بعضی هم گویند در بیست و سوم شعبان واقع شده است. مرحوم محمد باقر مجلسی همان قول مرحوم ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی و شیخ مفید را انتخاب کرده و این قول را اشهر می‌داند.<sup>۱</sup> کنیه امام علی علیه السلام ابو الحسن است.<sup>۲</sup>

### کیفیت ولادت حضرت علی علیه السلام

در کیفیت ولادت آن حضرت روایات بسیاری است و آن چه به سندهای بسیاری وارد شده است آن است که: روزی عباس بن عبدالمطلب با یزید بن قعب و با گروهی از بنی هاشم و جماعتی از قبیله بنی الضری در برابر خانه کعبه نشستند؛ ناگاه فاطمه بنت اسد به مسجد درآمد و او را درد زائیدن گرفته بود. سپس در برابر خانه کعبه ایستاده و نظر به جانب آسمان افکند و گفت: پروردگارا من ایمان آورده‌ام به تو و هر پیغمبر و رسولی که فرستادی و به هر کتابی که نازل گردانیده‌ای و تصدیق کرده‌ام به گفته‌های جدم ابراهیم خلیل علیه السلام که خانه کعبه را بنا کرده است، پس سوال می‌کنم از تو به حق این خانه و به حق آن کسی که این خانه را بنا نموده است و به حق این فرزند که در رحم من است و با من سخن می‌گوید و به سخن گفتن خود مونس من گردیده است و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت توست که آسان می‌کنی بر من ولادت او را. عباس و یزید بن قعب گفتند: که چون فاطمه از این دعا فارغ شد، دیدیم عقب خانه شکافته شد، فاطمه از آن رخنه داخل خانه شد و از دیده‌های ما پنهان شد. سپس شکاف دیوار به هم پیوست به اذن خدا. و ما چون

۱. جلا العیون، محمدباقر مجلسی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. ترجمه الارشاد، شیخ مفید، ج ۱.

خواستیم در خانه را بگشائیم، چندان که سعی کردیم در گشوده نشد، دانستیم که این امر از جانب خدا واقع شده و فاطمه سه روز در اندرون کعبه ماند. اهل مکه در کوچه‌ها و بازارها این قضیه را نقل کردند و زن‌ها در خانه‌ها این حکایت را نقل می‌کردند و تعجب می‌کردند تا روز چهارم رسید. سپس همان موضع از دیوار کعبه که شکافته بود، دیگر باره شکافته شد. فاطمه بنت اسد بیرون آمد و فرزند خود اسد الله الغالب علی بن ابیطالب را در دست خویش داشت.<sup>۱</sup> حاکم نیشابوری می‌گوید ولادت علی علیه السلام در داخل کعبه به طور تواتر به ما رسیده است.<sup>۲</sup> آلوسی بغدادی صاحب تفسیر معروف می‌نویسد: تولد علی در کعبه در میان ملل جهان معروف و مشهور است و تا کنون کسی به این فضیلت دست نیافته است.

### شخصیت مادر علی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمودند: فاطمه بنت اسد مادر امیر المومنین نخستین زنی بود که پیاده از مکه به مدینه به سوی پیغمبر صلی الله علیه و آله مهاجرت کرد و از همه مردم نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله مهربان‌تر بود. نقل شده روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که امیر المومنین گریان وارد شد. پیامبر اکرم به او فرمودند: چرا گریه می‌کنی؟ گفت مادرم فاطمه وفات کرد. پیامبر فرمود: به خدا مادر من هم بود. سپس با شتاب برخاست تا بر او وارد شد چون به او نگریست گریان شد. آن گاه به زن‌ها دستور داد غسلش دهند و فرمود چون از غسلش فارغ شدید، کاری نکنید تا به من خبر دهید. آنها چون فارغ شدند آن حضرت را آگاه ساختند، رسول خدا پیراهنی را که در زیر می‌پوشید و به بدنش می‌چسبید به یکی از آنها داد تا در آن کفنش کنند و به مسلمان‌ها فرمود هر گاه دیدید که من کاری کردم که پیش از این نکرده بودم، از من بپرسید که چرا این کار را کردی؟ چون زنان از غسلش و کفنش فارغ شدند، پیامبر درآمد و جنازه را روی دوش کشید و همواره زیر جنازه بود تا به قبرش رسانیدند. سپس جنازه را گذاشت و خود داخل قبر شد و در آن دراز کشید. آن گاه بر خواست و جنازه را با دست گرفت و داخل قبر کرد. مسلمین عرض کردند، شما را دیدیم، کارهائی کردید که پیش از این نکردید. فرمودند: فاطمه اگر چیز خوبی نزدش بود، مرا بر خود و فرزندانش مقدم می‌داشت. من از روز قیامت یاد کردم و گفتم: مردم برهنه محشور می‌شوند. او گفت، وای از این رسوائی. من ضامن او شدم که خدا او را با لباس محشور کند. و از فشار قبر یاد کردم، او گفت: وای از ناتوانی. من ضامن او شدم که خدا کار گزاریش کند.

۱. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ص ۱۹۰.

۲. مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۴۸۳، به نقل از فروغ ولایت، ص ۳۵.

از این جهت او را در پیراهنم کفن کردم و در قبرش خوابیدم و سر به گوشش گذاردم و آن چه از او می‌پرسیدند، تلقینش کردم. چون او را از پروردگارش پرسیدند، جواب داد و چون از پیغمبرش پرسیدند، جواب داد. اما چون از ولی و امامش پرسیدند، زبانش به لکنت افتاد. من به او گفتم: پسر، پسر، پسر.<sup>۱</sup>

این روایت نشان از شخصیت والای امیر المومنین علیه السلام است که از چنین مادری متولد شد که پاک و مطهر و مورد تکریم و احترام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و از این نکته غافل نمایم که پدر و مادری پاک و خوب داشتن در تکوین شخصیت انسان‌ها تاثیر بسزائی دارد.

### نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله مربی حضرت علی علیه السلام

مربی علی علیه السلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود و علی علیه السلام در غار حرا همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. مجاهد بن جبرابو الحاج گفته است: از نعمت‌های خداوند متعال بر علی بن ابیطالب و از نیکی‌هایی که پروردگار به او داده‌این که قریش گرفتار قحطی شدید شد و ابوطالب بسیار معیل بود، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به عباس عمویش که از توانمندترین بنی‌هاشم بود، گفت: ای عباس برادرت ابوطالب دارای عیال بسیار است، و آن چه را که به مردم از این سال قحطی رسیده است می‌بینی. پس ما را به سوی او روانه کن تا باری از عیال او سبک کنیم. فرزندی از فرزندان او را من بر می‌گیرم و فرزندی را تو بر می‌داری و به این ترتیب هزینه و خرجی آن دو را کفایت می‌کنیم. عباس گفت، بسیار خوب. پس آن دو روانه شدند تا به نزد ابوطالب آمدند، به او گفتند ما می‌خواهیم باری از اهل و عیال تو سبک کنیم. ابوطالب گفت: عقیل را برای من بگذارید پس هر چه می‌خواهید بکنید. پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بر گرفت و همراه خود نمود و عباس هم جعفر را برداشت و همراه خود ساخت. علی علیه السلام پیوسته با رسول خدا بود، تا این که خدا او را به پیامبری مبعوث نمود. علی از او پیروی کرد و به او ایمان آورد و او را تصدیق نمود و جعفر نزد عباس بود تا این که اسلام آورد و با گرویدن به اسلام بی‌نیاز شد.<sup>۲</sup>

از این زمان طفولیت حضرت علی علیه السلام به طور کامل در اختیار پیامبر قرار گرفت و از خرمن اخلاق و فضایل انسانی او بهره‌های بسیاری برد و موفق شد تحت رهبری پیامبر به مدارج عالی کمال برسد. امام در سخنان خود به چنین ایام و مراقبت‌های پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: من بسان بچه ناقه‌ای که به دنبال

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۸ و ۳۴۹.

۲. جوهره، ص ۱۱ و ۱۲ محمد بن ابی بکر انصاری تلماسی معروف به بر که از دانشمندان اهل سنت است.

مادر خود می‌رود، در پی پیامبر می‌رفتیم. هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می‌کرد و دستور می‌داد که از آن پیروی کنم.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش از آن که مبعوث به رسالت شود، همه ساله یک ماه تمام را در غار حرا به عبادت می‌پرداخت و در پایان ماه از کوه سرازیر می‌شد و یکسره به مسجد الحرام می‌رفت و هفت بار خانه خدا را طواف می‌کرد و سپس به منزل خود باز می‌گشت. قرائن نشان می‌دهد از هنگامی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام را به خانه خود می‌برد، هرگز روزی او را ترک نگفت. مورخان می‌نویسند علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام آن چنان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراه بود که هر گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شهر خارج می‌شد و به کوه و بیابان می‌رفت، او را همراه خود می‌برد.<sup>۲</sup>

ابن ابی الحدید می‌گوید: احادیث صحیح حاکی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت، علی در کنار حضرتش بود. آن روز از روزهای همان ماه بود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای عبادت به کوه حرا رفته بود.

امیر المومنین عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام خود در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَانَ يَجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بَحْرَاءَ فَارَاهُ وَ لَا يَرَاهُ غَيْرِي؛ پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می‌پرداخت و جز من کسی او را نمی‌دید.»<sup>۳</sup> «اری نور الوحي و الرسالة و اشم ریح النبوه؛ من در همان دوران کودکی به هنگامی که در حرا کنار پیامبر بودم، نور وحی و رسالت را که به سوی پیامبر سرازیر بود را می‌دیدم و بوی پاک نبوت را از او استشمام می‌کردم.»

علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام درباره شنیدن صداهای غیبی در دوران کودکی چنین می‌گوید: هنگام نزول وحی بر پیامبر، صدای ناله‌ای به گوش من رسید. به رسول خدا عرض کردم این صدای ناله چیست؟ فرمود این ناله شیطان است و علت ناله‌اش این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش قرار گیرد، نومید شد. سپس به علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «انك تسمع ما اسمع و تری ما اری الا انك لست بنبی و انك لوزیر؛ تو ان که من می‌شنوم و می‌بینم می‌شنوی و می‌بینی؛ جز اینکه تو پیامبر نیستی، تو وزیر من هستی.»<sup>۴</sup>

۳. نهج البلاغه.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الیهید، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۸۷.

۳. همان.

این سخنان علی و بیان تاریخ که علی از همان کودکی در اختیار پیامبر بودندشان از این است که پیامبر در تکوین شخصیت علی سهم فراوانی داشت.

### گواهی تاریخ

عقیق کندی می‌گوید: در یکی از روزها برای خرید لباس و عطر وارد مکه شدم و در مسجد الحرام در کنار عباس بن عبدالمطلب نشستم. وقتی که خورشید به اوج بلندی رسید، ناگهان دیدم مردی آمد و نگاهی به آسمان کرد و سپس رو به کعبه ایستاد و چیزی نگذشت که نوجوانی به وی ملحق شد و در سمت راست او ایستاد. سپس زنی وارد مسجد شد و پشت سر آن دو قرار گرفت. آن گاه هر سه مشغول عبادت و نماز شدند. من از دیدن این منظره که در میان بت پرستان مکه سه نفر حساب خود را از جامعه جدا کرده و خدائی غیر خدای مردم مکه را می‌پرستند، در شگفت ماندم. رو به عباس کردم و گفتم: امر عظیمی، او نیز همین جمله را تکرار کرد و سپس افزود، آیا این سه نفر را می‌شناسی؟ گفتم: نه. گفت: نخستین کسی که آمد و جلوتر از دو نفر دیگر ایستاد برادر زاده من محمد بن عبد الله است و دومین نفر برادرزاده دیگر من علی بن ابیطالب و سومین نفر همسر محمد است. او مدعی است که آئین وی از جانب خداوند بر او نازل شده است و اکنون در زیر آسمان خدا کسی جز این سه نفر از این دین پیروی نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

همگی بر این موضوع اجماع دارند که از لحاظ زمان، علی پیش از ابوبکر ایمان آورد و در اسلام علی فضیلتی دیگر وجود دارد و آن این که اسلام ابوبکر از حالت کفر صورت گرفته است، بدین معنا که پیش از آن که مسلمان شود، کافر بود ولی اسلام علی بدون آن که کافر باشد محقق شد.<sup>۲</sup> از احادیث و گواهی تاریخ استفاده می‌شود که علی اولین کسی است از مردان که با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نماز گذارد و اسلام آورده است و این فضیلت خود بیان گر شخصیت معنوی علی علیه السلام است.

علامه امینی در جلد سه بابی تحت عنوان امیر المومنین اول من امن و صلی آورده است که دلالت دارد

که علی اولین کسی است که اسلام آورده و با پیامبر نماز گزارده است.<sup>۳</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲. المعیار و الموازنه، ص ۶۶.

۳. الغدیر، علامه امینی، ج ۳.

قال علی عليه السلام: «انا عبد الله و اخو رسول الله و انا الصديق الاكبر لا يقولها بعدى الا كاذب مفتري و لقد صليت مع رسول الله قبل الناس سبع سنين. و انا اول من صلى معه؛ من بنده خدا و برادر پیامبر و صدیق بزرگم. این سخن را پس از من جز دروغگوئی افترا نمی‌سازد. من با رسول خدا هفت سال پیش از مردم نماز گزاردم.»

انا اول من صلى مع رسول الله عليه السلام.

جواب اشکالی که درباره ایمان علی عليه السلام وارد شده است

برخی اشکال کرده اند: درست است که علی اولین کسی است که به رسول الله ایمان آورده و با او نماز گزارده است ولی ایمان علی در دوران کودکی و طفولیت بوده است. این دلیل بر فضل و شرافت علی بر دیگران نمی‌شود.

دانشمندان شیعه و سنی جواب‌هایی داده‌اند:

اگر علی در آن هنگام نابالغ می‌بود در حقیقت مسلمان شمرده نمی‌شود زیرا کلمات اسلام و ایمان و کلمات کفر و گمراهی و سرپیچی و فرمانبرداری بر افراد بالغ و عاقل اطلاق می‌شود، نه بر افراد نابالغ و دیوانگان.

خداوند متعال هیچگاه پیامبری را برای کودکان و نوجوانان و دیوانگان گسیل نفرموده است و چون می‌بینیم پیامبر آهنگ فراخواندن علی بن ابیطالب عليه السلام به اسلام فرمود و او را فرمان داده است که ایمان آورده و پیش از همه مردم از او آغاز کرده است، برای ما علم حاصل می‌شود که علی بالغ و عاقل بوده و ایمان آوردن برای او لازم بوده است.

اگر بگویند دعوت پیامبر از علی به روش ادب بوده است، همانگونه که ما هم کودکان نابالغ خود را برای تعلیم و تربیت بر انجام فرائض و امانت‌ها می‌داریم. به آنان پاسخ می‌دهیم: که این گفته شما درست نیست، چون که ما این کار را به روزگاری انجام می‌دهیم که اسلام جایگزین شرک شده و آشکار گردیده است و کودکان در محیط اسلامی متولد می‌شوند و پرورش می‌یابند ولی در محیط شرک و جنگ و ستیز این کار روا نیست. وانگهی پیامبر چنان نبوده است که کار و هدف اصلی خویش را در جامعه شرک و مردم کافر رها فرموده و به دعوت افراد نابالغ سرگرم شود و پیش از انجام واجب به کار مستحب بپردازد که چنین کاری از آن حضرت بعید

است. از این گذشته چرا پیامبر نوجوان نابالغ دیگری غیر از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به اسلام آوردن فراخوانده است. وانگهی سنت بر این نیست که کودکان نابالغ را به اسلام فراخوانند و پیش از آن که به حد بلوغ برسند، میان ایشان و پدرانشان جدایی افکنند.

آیا رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که علی را دعوت به اسلام نموده، می‌دانست که تکلیفی بر طفل قبل از بلوغ نیست یا نمی‌دانست. اگر بگوئی که نمی‌دانست نسبت جهل به آن حضرت داده‌اید و اگر می‌دانست طفل را تکلیفی در دین نمی‌باشد با این حال او را دعوت کرد. کار لغو و عبث کرده و بدیهی است نسبت جهل و لغو و عبث به پیامبر محققا کفر است؛ چه آن که پیامبر مبری از لغو و عبث است، خصوصا خاتم الانبیا محمد بن عبد الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیرا که خدا در آیه سوم و چهارم سوره النجم درباره آن حضرت می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾. پس قطعا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را قابل و لایق و آماده دعوت می‌دانسته است. چون که عمل لغو از آن حضرت صادر نمی‌گردد، علاوه بر این معنا صغر سن منافی کمال عقل نمی‌باشد. بلوغ دلیل وجوب تکلیف نیست بلکه بلوغ در احکام شرعیه مراعات می‌شود نه در احکام عقلیه. و ایمان امری از امور عقلیه می‌باشد، نه تکلیف شرعی. پس ایمان علی در کوچکی از فضائل آن حضرت می‌باشد. چنانچه درباره حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام و خداوند در آیه ۳۰ سوره مریم خبر می‌دهد که گفت: ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾ و درباره حضرت یحیی مریم آمده ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾؛ به یحیی در سن کودکی نبوت بخشیدیم. مرحوم سلطان الواعظین بعد از ذکر چند حدیث از اهل تسنن می‌گوید: پس ایمان علی در صغر و کودکی دلیل بر وفور عقل و خرد است. و خود فضیلتی است برای آن حضرت که احدی از مسلمین بر او سبقت نگرفته است.<sup>۲</sup>

سخنی از اسکافی: کسانی که می‌گفتند ایمان امام علی در دوران کودکی بوده است. دورانی که کودک در آن خوب و بد را به درستی تشخیص نمی‌دهد درباره این سند تاریخی چه می‌گویند؟ آیا ممکن است پیامبر رنج پختن غذای جمعیت زیادی را بر دوش کودکی بگذارد؟ یا به کودک خردسالی فرمان دهد که آنان را برای ضیافت دعوت کند؟ آیا صحیح است پیامبر کودک نابالغی را راز دار نبوت بداند و دست در دست او بگذارد و او را برادر و وصی و نماینده خود در میان مردم معرفی کند؟ مسلما خیر، بلکه باید گفت علی در آن روز از لحاظ

۱. مریم، آیه ۱۲.

۲. شبهای پیشاور، سلطان الواعظین، ص ۳۹۴ الی ۳۹۷.



قدرت جسمی و رشد فکری به حدی رسیده بود که برای همه این کارها شایستگی داشت. لذا این کودک هیچ گاه با کودکان دیگر انس نگرفت و در جرگه آنان وارد نشد و به بازی با آنان نپرداخت، بلکه از لحظه‌ای که دست پیمان خدمت و فداکاری به سوی رسول خدا دراز کرد، در تصمیم خود راسخ بود و پیوسته گفتار خود را با کردار توأم می‌ساخت و در تمام مراحل زندگی انیس پیامبر بود. او نه تنها در آن مجلس اولین کسی بود که ایمان خود را نسبت به رسالت پیامبر ابراز داشت. بلکه هنگامی که سران قریش از پیامبر خواستند که برای اثبات صدق گفتارش و گواه ارتباطش با خدا معجزه بیاورد (یعنی دستور دهد که درخت از جای خود کنده شود و برابر آنان بایستد) علی در آن هنگام نیز یگانه فردی بود که ایمان خود را برابر انکار دیگران ابراز داشت.<sup>۱</sup>

### جلوگیری از انتشار فضایل علی علیه السلام و سب و لعن به آن حضرت

از موارد دیگری که بیانگر شخصیت علی علیه السلام است. جلوگیری از گسترش فضایل علی است. مخالفین سعی داشتند و عملاً هم دست به این عمل قبیح زدند که از انتشار فضایل علی جلوگیری کردند. ولی این عمل نه تنها مورد جلوگیری از شخصیت معنوی علی نشد بلکه روز به روز پرده از ابهام شخصیت معنوی او برداشته شده است.

شصت سال تمام بر فراز منابر و در مجالس وعظ و خطابه و درس و حدیث و میان خطبا و محدثان وابسته به دستگاه معاویه لعن و سب علی علیه السلام می‌کردند و به حدی موثر افتاد که می‌گویند روزی حجاج به مردی تندی کرد و او به خشونت سخن گفت و او که فردی از قبیله بنی ازد بود، رو به حجاج کرد و گفت: ای امیر ما این طور سخن مگو. ما دارای فضیلت‌هایی هستیم. حجاج از فضیلت‌های او پرسید و او در پاسخ گفت: یکی از فضیلت‌های ما این است که اگر کسی بخواهد با ما وصلت کند نخست از او می‌پرسیم که آیا ابو تراب (علی) را دوست دارد یا نه؟ اگر کوچکترین علاقه‌ای به او داشته باشد، هرگز با او وصلت نخواهیم کرد. عداوت ما با خاندان علی به حدی است که در قبیله ما مردی پیدا نمی‌شود که نام او حسن یا حسین باشد و دختری نیست که نام او فاطمه باشد. اگر به یکی از افراد قبیله ما گفته شود که از علی علیه السلام بیزاری بجوئید فوراً از فرزندان او بیزاری می‌جوئید.<sup>۲</sup>

معاویه در یکی از بخشنامه‌های خود به استانداران و فرماندارانش چنین خطاب کرد و گفت: اگر ثابت شد که فردی دوستدار علی و خاندان او است، نام او را از فهرست کارمندان دولت محو کنید و حقوق او را قطع و از

۱. فروغ ولایت، جعفر سبحانی، ص ۵۹ و ۶۰ (شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۴۴ و ۲۴۵).

۲. همان، ص ۵۴.

همه مزایا محرومش کنید. و در مرحله دوم می‌گویند که دستور داد گوش و بینی افرادی را که به دوستی خاندان علی علیه السلام تظاهر می‌کنند ببرند و خانه‌های آنان را ویران کنند. این فرمان بر ملت عراق و به ویژه کوفیان آن چنان فشاری آورد که احدی از شیعیان از ترس ماموران مخفی معاویه نمی‌توانست راز خود را، حتی به دوستانش ابراز کند، مگر این که قبلا سوگندش می‌داد که راز او را فاش نسازد. معاویه در مرحله سوم به نمایندگان سیاسی خود در استان‌های سرزمین اسلامی نوشت که شهادت شیعیان را در هیچ موردی نپذیرند. ولی از آن جایی که این سخت‌گیری بیش از حد نتوانست جلوی انتشار فضایل علی علیه السلام را بگیرد، معاویه برای بار چهارم به استانداران وقت نوشت به کسانی که مناقب و فضایل عثمان را نقل می‌کند احترام کنید و نام و نشان آنان را برای من بفرستید تا خدمات آنان را با پاداش‌های کلان جبران کنم، و از آن جایی که در این مرحله هم موفق نشد، دستور داد هر محدثی درباره علی فضیلتی نقل می‌کند، شبیه آن را درباره دیگر یاران پیامبر جعل کنند و منتشر سازند.<sup>۱</sup>

با آن که امیر المومنین علیه السلام را لعن می‌کردند و نام فرزندان خود را حسن و حسین و فاطمه نمی‌گذارند و از علی بی‌زاری می‌جستند، ما شاهد هستیم که روز به روز شخصیت علی روشن‌تر عشق می‌شود و ناگفته نماند که خود دشمنان علی فهمیدند که خود سب و لعن علی سب بالا رفتن مقام و موقعیت علی شده است. عبد الله بن زبیر دشمن خاندان علوی به فرزند خود توصیه می‌کند که از بدگویی درباره علی دست بردار، زیرا بنی امیه او را شصت سال در بالای منابر سب کردند، ولی نتیجه‌ای جز بالا رفتن مقام و موقعیت علی و جذب دل‌های بیدار به سوی وی نشد.

### علت قدغن کردن سب و لعن علی علیه السلام بوسیله عمر بن عبدالعزیز

عمر بن عبد العزیز که سب و لعن علی را ممنوع کرد خودش می‌گوید، دو قضیه باعث شد که من این کار را منع کردم:

یکی این بود که وقتی بچه بودم معلم سرخانه‌ای داشتم که می‌آمد و برای من تدریس می‌کرد. ما در کوچه‌ها با بچه‌های هم سن و سال بازی می‌کردیم. به بچه‌ها این‌گونه آموخته بودند که وقتی می‌خواستند بگویند که من این کار را نکردم می‌گفتند لعنت بر علی، کی من چنین کاری را کردم. یک بار که در کوچه ما این سخن را می‌گفتیم معلم من آمد و از آنجا گذشت. قرار بود برای دریس به مسجد به مسجد رفتیم دیدم؛ مشغول نماز است. منتظر ماندم تا نمازش تمام شود. تا گفت السلام علیکم به سرعت از جا بلند شد و نماز

دیگری را شروع کرد. دیدم که وقت گذشت و حس کردم که امروز نمی‌خواهد به من درس بدهد. پیش خود گفتم، باید بفهمم چرا نمی‌خواهد به من درس بدهد. این بار به محض این که نماز را سلام داد دیگر مجال ندادم، فوراً سلام کردم و گفتم: استاد امروز نمی‌خواهی به من درس بدهی؟ دیدم رفتارش با من جور دیگری است. گفتم آیا تقصیری کرده ام؟ گفت: آن چه کاری بود که در کوچه کردی؟ آن چه بود که از تو شنیدم؟ گفتم: چه چیزی؟ موضوع را گفت. بعد از من پرسید: تو از چه موقع اطلاع پیدا کردی که خداوند پس از آن که بر اهل بد راضی شد، بر آنها غضب کرد؟ گفتم: مگر علی علیه السلام هم از اصحاب بدر بود؟ گفت: مگر در بدر قهرمانی غیر از علی بود! اصلاً بدر مال علی است. از آن پس تصمیم گرفتم که دیگر این کار را نکنم.

دومین امری که باعث شد تا سب و لعن علی را ترک کنم مربوط است به زمانی که پدرم حاکم مدینه بود. پدرم که خطاب به می‌خواند، می‌دیدم که خیلی فصیح و بلیغ حرف می‌زند جز آن جا که می‌رسد به لعن علی که گوئی زبانش به لکنت می‌افتد. در خلوت از پدرم پرسیدم تو چرا همه چیز را خوب بیان می‌کنی الا این یکی را. علتش چیست؟ گفت: آخر این مردی را که ما داریم لعنت می‌کنیم از تمامی صحابه پیامبر افضل است و هیچ کس بعد از پیامبر به اندازه او مستحق درود نیست. گفتم: اگر چنین است چرا او را لعن می‌کنی؟ گفت اگر ما او را این طور لعن نکنیم، امروز نمی‌توانیم بچه‌هایش را بگوییم. ما گذشته این‌ها را باید این گونه بگوییم تا بچه‌هایش موقعیت خلافت پیدا نکنند.<sup>۱</sup>

### کیفیت قدغن کردن سب و لعن علی علیه السلام

عمر بن عبد العزیز با یک مرد یهودی یا مسیحی تباری می‌کند و به او می‌گوید: روز جمعه که من به مسجد می‌روم، در مجمع عمومی بیا و دختر مرا خواستگاری کن. تو چنین می‌گوئی و من چنین می‌گویم. آن شخص آمد و خواستگاری کرد. عمر بن عبد العزیز گفت تو کیستی و مذهب چیست؟ گفت: من فلان کس و یهودی هستم. گفت: مگر نمی‌دانی که در اسلام دختر را به کافر نمی‌شود داد؟ گفت: اگر این طور است پس چرا پیامبر شما دختر را به کافر داد؟ چرا دخترش را به علی داد؟ عمر بن عبد العزیز رو به جمعیت کرد و گفت: یا جواب او را بدهید یا اگر جواب ندهید اگر بشنوم که کسی لعن علی را کرده است سرش را از تنش جدا خواهم کرد.<sup>۲</sup>

۱. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، ج ۷، ص ۹۴ الی ۹۷.

۲. همان.

**نام علی نامی آسمانی**

در تمام کتب آسمانی نام محمد بن عبد الله و علی ابن بیطالب را به عنوان نبوت و امامت ذکر کرده اند. چه آن که نام محمد و علی را پروردگار هزاران سال قبل از خلقت گذارده است و در تمام آسمان ها و ابواب جنت و عرش حق تعالی ثبت نموده اند، تعدادی از احادیثی که دلالت دارد بر این که نام علی بعد از نام خدا و پیامبر در عرش اعلا ثبت گردیده ذکر می کنیم:

از جابر بن عبد الله انصاری نقل نموده اند که رسول خداج فرمود: «مکتوب علی باب الجنة لا اله الا الله محمد رسول الله؛ علی ولی الله اخو رسول الله قبل یخلق السموات و الارض بالقی عام». بر روی درب بهشت نوشته شده، خدائی نیست مگر خدای یکتا و محمد رسول خداست و علی ولی خدا و برادر رسول خدا است؛ پیش از آن که خلق کند آسمان ها و زمین را با دو هزار سال. میر سید علی فقیه شافعی در مودت هشتم از مودت القری نقل می فرماید که رسول خدا به علی فرمود در چهار محل اسم تو را با اسم خودم همراه دیدم:

در شب معراج؛ وقتی به بیت المقدس رسیدم بر روی صخره آن یافتم لا اله الا الله محمد رسول الله ابدته بعلی وزیره.

به سدره المنتهی که رسیدم دیدم ثبت شده: «انی انا الله لا اله الا انا وحدی و محمد صفوتی من خلقی ابدته بعلی وزیره و نصرته به».

وقتی به عرش رب العالمین رسیدم دیدم بر قوائم آن نوشته شده است: «انی انا الله لا اله الا الله انا محمد حبیبی من خلقی ابدته بعلی وزیره و نصرته به؛ به درستی که من خدایم که غیر از من خدائی نیست. محمد حبیب من است از میان خلق تایید و یاری نمودم او را به علی وزیر او».

وقتی به بهشت رسیدم دیدم بر در بهشت نوشته شده «لا اله الا انا محمد حبیبی من خلقی ابدته بعلی وزیر و نصرته به».

۳- محمد بن جریر طبری در تفسیر خود و ابن عساکر در تاریخ خود ضمن ترجمه حالات علی و محمد بن یوسف گنجی شافعی ضمن باب ۶۲ کفایه الطالب و حافظ ابو نعیم در حیلہ الاولیا و شیخ سلیمان در ص ۲۳۸ ینابیع المودۃ ضمن باب ۵۶ حدیث ۵۲ نقلاً از ذخایر العقبی از امام الحرم الشریف احمد بن عبد الله طبرسی شافعی همگی مستنداً از ابوهریره نقل نموده اند که رسول خدا فرمود: «مکتوب علی ساق العرش لا

اله الا الله وحده لا شریک و محمد عبدي و رسولی ایدته بعلی بن ابیطالب»<sup>۱</sup>